

Prediction of marital conflict through the personality, psychological and demographic characteristics of spouses

پیش‌بینی تعارض زناشویی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی زوجها

Somayeh Shahmoradi.

University of Isfahan, M.A.

Maryam Fatehi Zade

University of Isfahan

AhmadAhmadi

University of Isfahan

سمیه شاهمرادی*

کارشناس ارشد دانشگاه اصفهان

مریم فاتحی‌زاده

دانشگاه اصفهان

احمد احمدی

دانشگاه اصفهان

Abstract

The purpose of this research was to predict marital conflicts (of divorce prone and normal couples) through personality, psychological and demographic characteristics. Method of research was correlation and ex-post facto one and the statistical population was divorce prone and normal couples. For normal and divorce prone couples, each one included 60 persons, who were selected by two-stage cluster sampling method. The assessment tools included a Big-Five-Factor Personality Questionnaire (Costa & McCrae, 1989), the Symptom Check-List-90 (SCL-90) (Derogatis et. al., 1973) and a Demographic Questionnaire (made by researcher). The data were analyzed using independent sample t-test and stepwise regression analysis (logistic). The results showed that divorce prone and normal couples were significantly different in terms of neuroticism, openness to experience and conscientiousness and all nine subscales of SCL-90 ($P < 0/05$). From all of the personality, psychological and demographic variables, neuroticism, depression, paranoid thoughts, number of children, type of marriage and income could significantly predict marital conflict.

Keywords: marital conflict, personality characteristics, psychological characteristics, demographic characteristics.

چکیده

این پژوهش با هدف پیش‌بینی تعارض زناشویی (زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی) از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی اجرا شد. پژوهش از نوع همبستگی و پس‌رویدادی و جامعه آماری دو گروه زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی بودند. از میان زوج‌های در معرض طلاق، ۶۰ نفر و از میان زوج‌های عادی نیز ۶۰ نفر به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزارهای سنجش شامل پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت (کاستا و مک‌کری، ۱۹۸۹)، فهرست نشانه‌های روانی (SCL-90) (دروگاتیس و همکاران، ۱۹۷۳) و پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی محقق ساخته بود. داده‌ها از طریق آزمون t گروه‌های مستقل و تحلیل رگرسیون گام به گام (لوجستیک) تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد؛ زوج‌های عادی و در معرض طلاق در روان‌رنجورخویی، تجربه‌پذیری و وظیفه‌شناسی و در تمام نه خرده‌مقیاس فهرست نشانه‌های روانی (SCL-90) با یکدیگر تفاوت معنادار دارند ($P < 0/01$). از بین کلیه متغیرهای شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی، روان‌رنجورخویی، افسردگی، افکار پارانوئیدی، تعداد فرزندان، نوع ازدواج و میزان درآمد داری توان پیش‌بین معنادار تعارض زناشویی بودند.

واژه‌های کلیدی: تعارض زناشویی، ویژگی‌های شخصیتی، ویژگی‌های روانی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی.

* نویسنده مسؤل؛ اصفهان، میدان آزادی، دانشگاه اصفهان، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، گروه مشاوره، کدپستی ۸۱۷۴۶۷۳۴۴۱.

پست الکترونیک (رایانامه): somayeh.shahmoradi@yahoo.com

وصول: ۸۹/۳/۳ پذیرش: ۸۹/۱۱/۶

مقدمه

یکی از معضلات مهم زندگی زناشویی پدیده طلاق^۱ است. شیوع روزافزون این پدیده پژوهشگران و نظریه‌پردازان حوزه خانواده و ازدواج را بر آن داشته تا در مورد علل و عوامل تأثیرگذار بر آن به بررسی و کنکاش بپردازند. برای مقابله با معضل طلاق می‌توان به بررسی ریشه‌های آن پرداخت. برخی از پژوهش‌هایی که در مورد عوامل زمینه‌ساز طلاق صورت گرفته نشان داده که یکی از مهمترین و عمیق‌ترین ریشه‌های طلاق، ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی زوج‌هاست. برخی از ویژگی‌های شخصیتی و اختلالات روانی تنش‌ها و تعارضات را بین زوج‌ها افزایش می‌دهد و تداوم زندگی زناشویی را تهدید می‌کند (واتسون، هوبارد و وایس، ۲۰۰۰؛ دونلان، کانگر و برایانت، ۲۰۰۴؛ ویسمن، یوبه لاکر و وین استاک، ۲۰۰۷؛ عطاری، امان الهی‌فرد و مهرابی‌زاده، ۱۳۸۵؛ جلیلی، بخشایش و فارسی‌نژاد، ۱۳۸۸). همچنین برخی از عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن، تحصیلات، وضعیت اقتصادی - اجتماعی و وضعیت اشتغال نیز نقش مهمی در تداوم و یا تداوم نداشتن زندگی زناشویی دارند (ساروخانی، ۱۳۷۶؛ احمدی و رئیس‌پور، ۱۳۸۷). شناخت عواملی که زمینه را برای بروز اختلافات زناشویی و جدایی زوج‌ها فراهم می‌کند، نقش مهمی در کاهش مشکلات زناشویی و آمار طلاق در جامعه دارد.

شخصیت تأثیرات پایداری بر روابط زناشویی^۲ دارد. کارنی و برادبوری (۱۹۹۷) معتقدند که بعضی تمایلات شخصیتی مانند بی‌ثباتی هیجانی^۳ یا روان‌رنجورخویی^۴ آسیب‌پذیری‌های پایداری را به وجود می‌آورند که بر چگونگی انطباق زوج‌ها با تجارب فشارآفرین تأثیر می‌گذارد. این انطباق نیز بر رضایت آنها از روابط زناشویی مؤثر است. بوچارد، لوسیر و سابورین (۱۹۹۹) نیز معتقدند روان‌رنجورخویی هم بر ادراک همسران و هم بر عواطف منفی ناشی از این ویژگی تأثیر می‌گذارد. کاکلین، هوستون و هاوتس (۲۰۰۰) در مطالعه‌ای ۱۳ ساله به این نتیجه رسیدند که قسمت اعظم رابطه بین روان‌رنجورخویی و

رضایت زناشویی مربوط به الگوهای ارتباطی منفی بین همسران است. یعنی افراد روان‌رنجور عواطف منفی بیشتری را به همسران ابراز می‌کنند و از این طریق به شکل‌گیری الگوهای تعاملی منفی در روابط زناشویی کمک می‌کنند.

در کنار روان‌رنجورخویی، دیگر ویژگی‌های شخصیتی نیز در حوزه تعارض و رضایت زناشویی مورد توجه قرار گرفته‌اند. جارویس (۲۰۰۶) معتقد است افراد وظیفه‌شناس، برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش هدفمند بیشتری انجام می‌دهند. در این راستا کوردک (۱۹۹۳) معتقد است، وجود سطوح بالای وظیفه‌شناسی^۵ باعث می‌شود، فرد وجدان‌گرایی بیشتر داشته باشد و از نشان دادن رفتارهای خشونت‌آمیز در روابط زناشویی خودداری و تکانه‌های خود را مهار کند. هارت، داتون و نیو لائو (۱۹۹۳) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مردانی که وظیفه‌شناسی کمتری دارند به تنش‌های زناشویی از طریق روی آوردن به الکل و پرخاشگری فیزیکی^۶ واکنش نشان می‌دهند. همچنین واتسون و همکاران (۲۰۰۰) در پژوهش خود گزارش کرده‌اند که توافق‌پذیری^۷، وظیفه‌شناسی و برون‌گرایی نیز همبستگی مثبت با رضایت زناشویی دارند.

دونلان و همکاران (۲۰۰۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که روان‌رنجورخویی با تعاملات منفی همبستگی مثبت و توافق‌پذیری و تجربه‌پذیری^۸ با تعاملات منفی همبستگی منفی دارد. همچنین این پژوهش نشان داد که تجربه‌پذیری همبستگی منفی با نارضایتی و همبستگی مثبت با رضایت جنسی^۹ دارد. این پژوهشگران معتقدند تجربه‌پذیری باعث می‌شود زوج‌ها در حل مشکلات و تعارضاتشان رویکردهای انعطاف‌پذیرتر و فعال‌تری را اتخاذ کنند. از نظر آنها تجربه‌پذیری به رضایت جنسی بیشتر در زوج‌ها منجر می‌شود، زیرا باعث می‌شود زوج‌ها فرایند اکتشاف جنسی^{۱۰} را گسترش دهند. یعنی گرایش به ایجاد تنوع در رابطه جنسی به افزایش رضایت‌مندی آنها از روابط جنسی منجر می‌شود. به علاوه ویژگی تجربه‌پذیری باعث افزایش توجه به طرف مقابل می‌شود. به اعتقاد تایین،

1. divorce
3. emotional instability
5. conscientiousness
7. agreeableness
9. sexual satisfaction

2. marital relationships
4. neuroticism
6. physical aggression
8. openness to experience
10. sexual exploration

که نسبت به دیدگاه‌های دیگر برتری داشته باشد در مورد رابطه افسردگی و تعارض زناشویی وجود ندارد. لمنس، بایسی، هنه و آیسلا (۲۰۰۷) در پژوهش خود براساس فهرست نشانه‌های روانی (SCL-90)، ۷۷ زوج را به دو دسته افسرده بالینی و عادی تقسیم کردند و به این نتیجه رسیدند که بیماران افسرده، آسفتگی روان‌شناختی و مشکلات دلبستگی^۱ بیشتر و رضایت زناشویی کمتری دارند. زوج‌های گروه بالینی، در مقایسه با زوج‌های عادی در تعاملاتشان ساختارمندی کمتر و اجتناب متقابل بیشتری داشتند. همچنین زنان افسرده در مقایسه با مردان افسرده، سطوح بالاتری از نشانگان روان‌شناختی و سبک دلبستگی اجتنابی^۱ را گزارش کردند. براهیمی، احمدی و عابدی (۱۳۸۷) در ایران در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که بین اضطراب و افسردگی زوج‌ها و آزار عاطفی آنها همبستگی مثبت وجود دارد و اعمال آزار عاطفی زوج‌ها، زمینه را برای بروز افسردگی آنها مساعد می‌کند.

در کنار ویژگی‌های شخصیتی و نشانه‌های روان‌شناختی مرتبط با تعارض زناشویی، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مطرح می‌شوند. ساروخانی (۱۳۷۶) در ارتباط با نقش برخی عوامل جمعیت‌شناختی در بروز طلاق اظهار می‌دارد که عوامل اجتماعی - اقتصادی به شکل‌گیری فضایی خاص در هر طبقه منجر می‌شود که درون آن فضا، رفتار انسانها شکلی خاص می‌یابد. به اعتقاد وی شرایط معیشتی و وضعیت مالی خانواده، بر واکنش اعضا و پیوندهای خانوادگی تأثیر اجتناب‌ناپذیری دارد. همچنین از نظر وی هر مقطع تحصیلی، شأن اجتماعی خاصی پدید می‌آورد و به‌طور طبیعی انسانها نیز در گزینش همسر، آن را معیار مهمی می‌دانند. هر مقطع تحصیلی، فضای فکری و حتی جهان‌بینی خاصی پدید می‌آورد که بر سلیقه‌ها و اندیشه‌های زوج‌ها مؤثر است. معمولاً با افزایش سطح تحصیلات، انسانها نسبت به مسائل حساس‌تر و دقیق‌تر می‌شوند. به عبارتی سواد مانند یک عامل آگاهی‌بخش عمل می‌کند که باعث می‌شود، انسانها نسبت به مسائل دیگران آگاه‌تر شوند و قدرت درک بیشتری پیدا کنند. در صورت نامتوازن بودن سطح تحصیلات، فردی که از لحاظ تحصیلی برتری دارد امتیازات دیگری در طرف مقابل برای جبران آن

گرازیانو، وان‌من و تاسیناری (۲۰۰۰) برونگرایی و ویژگی است که بیشتر مربوط به تعاملات اجتماعی فرد می‌شود و به اندازه سایر ویژگی‌ها در کیفیت روابط زناشویی و دیگر روابط صمیمی تأثیرگذار نیست. با این حال برخی پژوهش‌ها به تأثیر این ویژگی بر روابط زناشویی اشاره دارند. به‌عنوان مثال در پژوهش باس (۱۹۹۲) که مربوط به ویژگی‌های شخصیتی مؤثر در روابط زناشویی است، برونگرایی با شیوه‌های تعامل زوج‌ها با یکدیگر رابطه داشت. عبدالله‌زاده (۱۳۸۲) در ایران در پژوهشی به این نتیجه رسید که بین ویژگی‌های برونگرایی، تجربه‌پذیری و وظیفه‌شناسی با رضایت زناشویی رابطه مثبت و بین روان‌رنجورخویی و رضایت زناشویی رابطه منفی وجود دارد. جلیلی و همکاران (۱۳۸۸) نیز تجربه‌پذیری را عامل مهمی در روابط زناشویی دانسته و معتقدند تجربه‌پذیری پایین در افراد، باعث می‌شود آنها از انعطاف‌پذیری، تفکر واگرا^۱ و قدرت سازندگی برای حل مسائل و مشکلات زناشویی برخوردار نباشند. این افراد عقاید و احساسات همسر خود را نادیده می‌گیرند و به دلیل نداشتن استقلال و ناتوانی در برخورد با مشکلات زندگی، همسر خود را متهم می‌کنند.

در کنار ویژگی‌های شخصیتی، پژوهشگران زیادی بر نقش اختلالات روانی در روابط زناشویی تأکید نموده‌اند. به‌عنوان مثال ویسمن و همکاران (۲۰۰۷) معتقد هستند برخی از اختلالات روانپزشکی مانند اختلالات اضطرابی^۲، اختلالات خلقی^۳ و سوء‌مصرف مواد^۴ نسبت به سایر اختلالات ارتباط بیشتری با مشکلات زناشویی دارند. در این زمینه چند دیدگاه وجود دارد: ۱- مشکلات زناشویی به بروز اختلالات روانی منجر می‌شود. ۲- اختلالات روانی به مشکلات زناشویی منجر می‌شود. ۳- الگویی از تأثیر پیوسته و دوجانبه بین این دو مقوله وجود دارد. ۴- متغیرهای دیگری ممکن است در رابطه بین اختلالات روانی و روابط زناشویی آنها دخیل باشند (ویسمن و همکاران، ۲۰۰۷). بورمن و مارگالین (۱۹۹۲) تأثیر متغیرهای زناشویی بر سلامت روانی را غیرمستقیم و نامشخص می‌دانند و معتقدند نمی‌توان رابطه یکطرفه و مشخص بین این متغیرها عنوان کرد. هنه (۲۰۰۳) با بررسی دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با رابطه افسردگی و تعارضات زناشویی به این نتیجه رسید که یک دیدگاه مشخص

1. divergent thinking
3. mood disorders
5. attachment

2. anxiety disorders
4. substance abuse
6. avoidant attachment style

معرض طلاق به شیوه خوشه‌ای دو مرحله‌ای^۱ انتخاب شدند. به این ترتیب که از میان مراکز مداخله در بحران طلاق شهر اصفهان یک مرکز به صورت تصادفی و از میان زوج‌های مراجعه‌کننده به آن مرکز که از طرف دادگاهها یا شوراها حل اختلاف ارجاع داده شده بودند، ۳۰ زوج (۶۰ نفر) به صورت تصادفی انتخاب شدند. در نمونه‌گیری زوج‌های عادی نیز ابتدا یک دبستان به صورت تصادفی به عنوان نمونه انتخاب و در مرحله دوم از میان والدین دانش‌آموزان تعداد مورد نیاز (۳۰ زوج) نمونه‌گیری شدند. در حیطه علوم رفتاری حجم نمونه برای تعمیم‌پذیری نتایج اهمیت دارد و معمولاً در تحقیقات پس‌رویدادی حداقل حجم نمونه باید ۳۰ نفر باشد (دلاور، ۱۳۸۱). در پژوهش حاضر به این مسأله توجه شد و با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی (در بخش مقایسه ویژگی‌ها) بوده تعداد کافی (۶۰ نفر) برای هر گروه انتخاب شدند. در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه ارائه شده است.

ابزار سنجش

پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت^۲؛ برای اندازه‌گیری پنج عامل بزرگ شخصیت از فرم ۶۰ سؤالی پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت که کاستا و مک‌کری (۱۹۸۹) تهیه و آماده اجرا نموده‌اند استفاده شد. این پرسشنامه دارای مقیاس پاسخگویی پنج درجه‌ای (کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم) است و پنج عامل روان‌رنجورخویی (در برابر ثبات روانی و هیجانی)، برونگرایی (در برابر درونگرایی)، تجربه‌پذیری (در برابر خشکی و انعطاف‌ناپذیری)، توافق‌پذیری (در برابر خودشیفتگی) و وظیفه‌شناسی (در برابر سهل‌انگاری) را سنجش می‌کند. کاستا و مک‌کری (۱۹۹۲) آلفای کرونباخ مقیاس‌های این پرسشنامه را به این ترتیب گزارش دادند: روان‌رنجورخویی برابر با ۰/۹۳، برونگرایی برابر با ۰/۹۰، تجربه‌پذیری برابر با ۰/۸۹، توافق‌پذیری برابر با ۰/۹۵ و وظیفه‌شناسی برابر با ۰/۹۲. آنها همچنین ضرایب روایی^۴ این پرسشنامه را از ۰/۵۶ تا ۰/۶۲ گزارش نموده‌اند. نسخ متعددی از این پرسشنامه در ایران ترجمه و آماده اجرا شده است (گروسی‌فرشی، ۱۳۸۰). کیامهر (۱۳۸۱) که نسخه‌ای از این پرسشنامه را برای اجرا در بین دانشجویان ترجمه و آماده اجرا کرد،

طلب می‌کند. در تأیید این تبیین‌ها، احمدی و رئیس‌پور (۱۳۸۷) در پژوهش خود نشان دادند که سطح بالایی تحصیلات همسر با رضایت زناشویی زنان ارتباط مثبت معناداری دارد. به علاوه، نتیجه پژوهش آنها نشان داد که بین تعداد فرزندان و رضایت زناشویی ارتباط معکوس وجود دارد. یعنی هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد میزان رضایت زناشویی کاهش می‌یابد.

در جمع‌بندی مبانی نظری و پژوهشی مرور شده می‌توان گفت که هر یک از ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی زوج‌ها به شکلی با تعارض زناشویی آنها ارتباط پیدا می‌کند. نگاهی بر برخی مطالعات ارائه شده نشان می‌دهد که در کمتر مطالعه‌ای این مجموعه ویژگی‌ها در کنار یکدیگر و به صورت یکپارچه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. به ترتیبی که با صراحت نمی‌توان گفت کدام یک ارتباط بالاتری با تعارض زناشویی دارند. با توجه به همین مسأله در این پژوهش دو هدف، یکی مقایسه زوج‌های در معرض طلاق با زوج‌های عادی در ویژگی‌های شخصیتی و روانی و دیگری بررسی ارتباط ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی زوج‌ها با تعارض زناشویی آنها مد نظر قرار گرفته تا از آن طریق مشخص گردد که زوج‌های در معرض طلاق با زوج‌های عادی در کدام یک از ویژگی‌های روانی و شخصیتی تفاوت دارند و کدام یک از مجموعه ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی آنها قادر به پیش‌بینی تمایل به طلاق است.

روش

روش پژوهش، جامعه آماری و نمونه؛ روش این پژوهش همبستگی (در قسمت پیش‌بینی زوج‌های در معرض طلاق و عادی به عنوان متغیر ملاک دو ارزشی از طریق ویژگی‌های روانی، شخصیتی و جمعیت‌شناختی به عنوان متغیرهای پیش‌بین) و پس‌رویدادی^۱ (در قسمت مقایسه زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی در ویژگی‌های روانی و شخصیتی) و جامعه آماری شامل کلیه زوج‌های در معرض طلاق مراجعه‌کننده به دادگاهها و شوراها حل اختلاف شهر اصفهان و والدین دانش‌آموزان مدارس ابتدایی شهر اصفهان در بهار سال ۱۳۸۸ بودند. نمونه گروه زوج‌های در

1. ex-post facto

3. Big Five Factor Personality Questionnaire

5. validity

2. two stage cluster sampling

4. validity coefficients

خصوصیت برابر با ۰/۵۶، ترس مرضی برابر با ۰/۵۷، افکار پارانوئیدی برابر با ۰/۶۷ و روان‌پریشی برابر با ۰/۵۷ به‌دست آمد. یک نمونه از سؤالات این فهرست به این شرح است؛ آیا از هفته گذشته تا به امروز سردرد داشته‌اید؟ پرسشنامه ویژگی‌های جمعیت‌شناختی؛ برای سنجش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از پرسشنامه محقق‌ساخته، شامل سن (برحسب سال)، مدت ازدواج (برحسب سال)، نوع ازدواج (فامیلی یا غیرفامیلی)، میزان درآمد (میزان درآمد ماهانه به تومان)، نحوه سکونت (شخصی، استیجاری، سازمانی)، نوع اشتغال (آزاد، دولتی یا خانه‌دار)، میزان تحصیلات (بر اساس مقاطع تحصیلی)، و تعداد فرزندان استفاده شد (این اطلاعات به‌صورت دسته‌بندی شده در جدول ۱ ارائه شده است).

روش اجرا و تحلیل؛ پرسشنامه‌های پژوهش به‌صورت خود گزارش‌دهی در فروردین تا خردادماه سال ۱۳۸۸ و در فاصله زمانی ۳۰ تا ۴۰ دقیقه پاسخ داده شدند. داده‌ها از طریق آزمون t گروه‌های مستقل^{۱۳} (برای مقایسه زوج‌های عادی و در معرض طلاق در ویژگی‌های روانی و شخصیتی) و تحلیل رگرسیون لجستیک دو ارزشی^{۱۴} به شیوه گام به گام^{۱۵} (برای تعیین مهمترین متغیرهای پیش‌بینی‌کننده طلاق) با استفاده از بسته آماری برای علوم اجتماعی نسخه ۱۶ (SPSS16)^{۱۶} تحلیل شدند. متغیرهای جمعیت‌شناختی گسسته به همان ترتیبی که در جدول ۱ ارائه شده‌اند وارد تحلیل رگرسیون لجستیک گردیده‌اند (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸).

یافته‌ها

در جدول ۲، میانگین، انحراف معیار و نتایج آزمون t گروه‌های مستقل برای مقایسه ویژگی‌های شخصیتی زوج‌های عادی و زوج‌های در معرض طلاق ارائه شده است.

روایی همزمان^۵ بین فرم کوتاه و بلند این پرسشنامه را برای پنج عامل بین ۰/۴۱ تا ۰/۷۱، پایایی بازآزمایی^۱ را بین ۰/۶۵ تا ۰/۸۶ و آلفای کرونباخ^۲ خرده‌مقیاس‌ها را بین ۰/۵۴ تا ۰/۷۹ گزارش کرده است (کیامهر، ۱۳۸۱). در این پژوهش آلفای کرونباخ برای روان‌رنجورخویی برابر با ۰/۸۷، برای برونگرایی برابر با ۰/۷۶، برای تجربه‌پذیری برابر با ۰/۵۷، برای توافق‌پذیری برابر با ۰/۵۴ و برای وظیفه‌شناسی برابر با ۰/۷۵ به‌دست آمد. یک نمونه از سؤالات این پرسشنامه به این شرح است؛ دوست دارم همیشه افراد زیادی دور و برم باشند.

پرسشنامه ویژگی‌های روانی^۳؛ برای سنجش ویژگی‌های روانی از فهرست نشانه‌ای ۹۰ سؤالی که دروگاتیس، لیپمن و کووی (۱۹۷۳) آن را تهیه و آماده اجرا کردند و دارای مقیاس پاسخگویی پنج‌درجه‌ای (هیچ تا به‌شدت) و نه خرده‌مقیاس موسوم به جسمانی‌سازی^۴، وسواس اجباری^۵، حساسیت بین‌فردی^۶، افسردگی^۷، اضطراب^۸، خصومت^۹، ترس مرضی^{۱۰}، افکار پارانوئیدی^{۱۱} و روان‌پریشی^{۱۲} است، استفاده شد (عابدی و مشهدی، ۱۳۸۰). برای دستیابی به نمرات ابعاد مطرح در این فهرست، نمرات به‌دست آمده از هر بعد محاسبه و بر تعداد سؤال‌های آن بعد تقسیم می‌شود (به‌کیش، ۱۳۷۳؛ عابدی و مشهدی، ۱۳۸۰). دروگاتیس و همکاران (۱۹۷۳) روایی این پرسشنامه را مستند ساخته‌اند. این فهرست را نیز پژوهشگران چندی در ایران ترجمه و آماده اجرا کرده‌اند. میرزایی (۱۳۵۹) که نسخه‌ای از این فهرست را در ایران ترجمه و آماده اجرا کرده، پایایی بازآزمایی را برای کل فهرست برابر با ۰/۸ گزارش داده است. به‌کیش (۱۳۷۳)، نیز پایایی بازآزمایی آن را در سطح خرده‌مقیاس‌ها بین ۰/۷۸ تا ۰/۹ گزارش کرده است. ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس‌های این پرسشنامه در پژوهش حاضر برای جسمانی‌سازی برابر با ۰/۶۵، وسواس اجباری برابر با ۰/۷۸، حساسیت بین‌فردی برابر با ۰/۶۶، افسردگی برابر با ۰/۶۵، اضطراب برابر با ۰/۵۴،

1. test-retest reliability

3. Symptom Check-List-90 (SCL-90)

5. obsessive-compulsive

7. depression

9. aggression

11. paranoia

13. independent t-test

15. stepwise

2. Cronbach's alpha

4. somatization

6. interpersonal sensitivity

8. anxiety

10. phobic anxiety

12. psychotism

14. binary logistic regression analysis

16. Statistical Package for Social Science-version 16(SPSS16)

جدول ۱- ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه‌های نمونه پژوهش

متغیرهای جمعیت‌شناختی	گروه		
	زیر گروهها	عادی	در معرض کل طلاق
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۷	۲۵
	۲۶ تا ۳۰ سال	۱۳	۱۳
	۳۱ تا ۴۰ سال	۲۲	۱۱
	۴۱ تا ۵۰ سال	۱۳	۸
	۵۱ سال و بیشتر	۵	۳
مدت ازدواج	کمتر از ۱ سال	۰	۸
	۱ تا ۵ سال	۸	۲۵
	۶ تا ۱۰ سال	۲۶	۱۵
	۱۱ تا ۲۰ سال	۲۳	۸
	۲۱ سال و بیشتر	۳	۲
نوع ازدواج	فامیلی	۳۸	۱۵
	غیر فامیلی	۲۲	۴۵
تعداد فرزندان	بدون فرزند	۰	۲۵
	۱ فرزند	۳۴	۲۲
	۲ فرزند	۱۸	۸
	بیشتر از ۲ فرزند	۸	۱۳
نحوه سکونت	شخصی	۳۶	۲۴
	استیجاری	۱۸	۴۳
	سازمانی	۶	۱
نوع شغل	آزاد	۳۳	۲۷
	دولتی	۱۷	۱۸
	خانه‌دار	۱۰	۲۵
میزان درآمد (تومان)	کمتر از ۳۰۰۰۰۰	۱۰	۲۱
	تا ۳۰۰۰۰۰	۱۴	۲۹
	۶۰۰۰۰۰ تا ۶۰۰۰۰۱	۲۶	۱۱
	۱۰۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۰	۲۵
	بیشتر از ۱۰۰۰۰۰۰۰	۱۰	۹
میزان تحصیلات	کمتر از دیپلم	۷	۲۳
	دیپلم	۲۳	۳۴
	لیسانس	۱۷	۴
	فوق لیسانس	۱۰	۶
	دکتر	۳	۰

جدول ۲- میانگین و انحراف معیار گروهها و نتایج آزمون t گروه‌های مستقل در ویژگی‌های شخصیتی

ویژگی‌های شخصیتی	گروه	M	SD	t	df	P
روان‌رنجور خوبی	عادی	۳۰/۷۳	۵/۶۶			
	در معرض طلاق	۳۶/۵۰	۷/۳۰	-۴/۸۳	۱۱۸	< ۰/۰۱
برونگرایی	عادی	۳۸/۲۰	۶/۷۴			
	در معرض طلاق	۳۸/۷۳	۶/۵۲	-۰/۴۴	۱۱۸	> ۰/۰۵
تجربه پذیری	عادی	۳۶/۴۱	۴/۵۴			
	در معرض طلاق	۳۴/۱۰	۵/۴۸	۲/۵۲	۱۱۸	< ۰/۰۵
توافق پذیری	عادی	۴۲/۷۰	۵/۰۵			
	در معرض طلاق	۳۷/۱۶	۳۷/۹۶	۱/۱۱	۱۱۸	> ۰/۰۵
وظیفه‌شناسی	عادی	۴۵/۶۶	۶/۰۳			
	در معرض طلاق	۴۰/۵۵	۷/۶۶	۴/۰۶	۱۱۸	< ۰/۰۱

چنانکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، زوج‌های در معرض طلاق از زوج‌های عادی در روان‌رنجور خوبی

معرض طلاق و زوج‌های عادی در جسمانی‌سازی، وسواس اجباری، حساسیت بین فردی، افسردگی، اضطراب، خصومت، ترس مرضی، افکار پارانوئیدی و روان‌پریشی تفاوت معناداری ($P < 0/01$) وجود دارد. در تمام نه ویژگی روانی زوج‌های در معرض طلاق نسبت به زوج‌های عادی میانگین بالاتری دارند. در جدول ۴ نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک دوارزشی (گام به گام) برای پیش‌بینی زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی از طریق ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی آنها ارائه شده است.

($P < 0/01$)، تجربه‌پذیری ($P < 0/05$) و وظیفه‌شناسی ($P < 0/01$) دارای تفاوت معناداری هستند. در روان‌رنجورخویی میانگین زوج‌های در معرض طلاق بیشتر از زوج‌های عادی و در تجربه‌پذیری و وظیفه‌شناسی میانگین زوج‌های در معرض طلاق کمتر از زوج‌های عادی است. در جدول ۳ میانگین و انحراف معیار گروهها و نتایج آزمون t گروههای مستقل در ویژگی‌های روانی دو گروه زوج‌های عادی و زوج‌های در معرض طلاق ارائه شده است. چنانکه در جدول ۳ مشاهده می‌شود، بین زوج‌های در

جدول ۳- میانگین و انحراف معیار گروهها و نتایج آزمون t گروههای مستقل در ویژگی‌های روانی

ویژگی‌های روانی	گروه	M	SD	t	df	p
جسمانی‌سازی	عادی	۰/۳۴	۰/۰۳	-۸/۸۶	۱۱۸	< ۰/۰۱
	در معرض طلاق	۱/۳۱	۰/۱۰			
وسواس اجباری	عادی	۰/۵۴	۰/۰۴	-۵/۵۴	۱۱۸	< ۰/۰۱
	در معرض طلاق	۱/۲۹	۰/۱۲			
حساسیت بین فردی	عادی	۰/۴۴	۰/۰۳	-۷/۱۹	۱۱۸	< ۰/۰۱
	در معرض طلاق	۱/۱۹	۰/۰۹			
افسردگی	عادی	۰/۳۸	۰/۰۲	-۸/۲۰	۱۱۸	< ۰/۰۱
	در معرض طلاق	۱/۵۱	۰/۱۳			
اضطراب	عادی	۰/۴۴	۰/۰۳	-۷/۲۱	۱۱۸	< ۰/۰۱
	در معرض طلاق	۱/۵۰	۰/۱۴			
خصومت	عادی	۰/۴۳	۰/۰۵	-۵/۶۱	۱۱۸	< ۰/۰۱
	در معرض طلاق	۱/۰۸	۰/۱۰			
ترس مرضی	عادی	۰/۲۶	۰/۰۳	-۵/۳۶	۱۱۸	< ۰/۰۱
	در معرض طلاق	۰/۷۶	۰/۰۸			
افکار پارانوئیدی	عادی	۰/۳۷	۰/۰۳	-۱۰/۵۰	۱۱۸	< ۰/۰۱
	در معرض طلاق	۱/۶۱	۰/۱۱			
روان‌پریشی	عادی	۰/۱۵	۰/۰۲	-۵/۳۱	۱۱۸	< ۰/۰۱
	در معرض طلاق	۰/۶۷	۰/۰۹			

در جدول ۴ آزمون هوسمر و لمشو^۱ (ستون سوم) شاخصی از توافق بین نتایج مشاهده شده و نتایج پیش‌بینی شده را ارائه می‌دهد. در تحلیل رگرسیون لجستیک این آماره نباید معنادار شود (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸). چنانکه در جدول ۴ مشاهده می‌شود، این آزمون در پنج مورد معنادار نیست (گام‌های ۲ تا ۵) و تنها در یک مورد معنادار است (گام ۱). به هر حال این نتایج نشان‌دهنده مناسب بودن و برازش نتایج پیش‌بینی است. آزمون آمیبیوس^۲ (ستون چهارم در جدول ۴) آزمونی عمومی است که معناداری الگوی پیش‌بینی را در تحلیل رگرسیون لجستیک مورد آزمون قرار می‌دهد. نتیجه این آزمون لازم است معنادار باشد (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸). چنانکه در ستون چهارم جدول ۴ دیده می‌شود در هر شش گام، الگوی پیش‌بینی معنادار است ($P < 0/01$). ضریب بتا غیراستاندارد در ستون پنجم جدول ۴ ضرایب هر یک از متغیرهای پیش‌بین در الگوی پیش‌بینی را نشان می‌دهد. ضرایب منفی مربوط به تعداد فرزندان و درآمد (گام ششم) تأیید می‌کند که با افزایش تعداد فرزندان و افزایش درآمد احتمال در معرض طلاق قرار گرفتن کاهش می‌یابد. در مقابل ضرایب مثبت نوع ازدواج، روان‌رنجورخویی، افسردگی و افکار پارانوئیدی نشان می‌دهد که با افزایش این متغیرها، احتمال وقوع تعارض و طلاق افزایش می‌یابد. آماره والد^۳ (ستون هفتم در جدول ۴) نشان‌دهنده سودمندی هر کدام از متغیرهای پیش‌بین است که در تحلیل رگرسیون لجستیک وارد شده‌اند. چنانکه در ستون هفتم جدول ۴ مشاهده می‌شود، متغیرهای افکار پارانوئیدی، تعداد فرزندان، افسردگی، نوع ازدواج، میزان درآمد و روان‌رنجورخویی دارای شرایط معناداری برای پیش‌بینی (گام ششم) هستند. در مجموع بر پایه یافته‌های گزارش شده در جدول ۴ می‌توان گفت که افزایش روان‌رنجورخویی، افسردگی، افکار پارانوئیدی و ازدواج غیرفامیلی احتمال در معرض طلاق قرار گرفتن را افزایش و برعکس، افزایش تعداد فرزندان و افزایش درآمد احتمال در معرض طلاق قرار گرفتن را کاهش می‌دهند.

بحث

نتایج پژوهش نشان داد که بین زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی (جدول ۲) در ویژگی‌های

روان‌رنجورخویی، تجربه‌پذیری و وظیفه‌شناسی تفاوت معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج پژوهش‌های هارت و همکاران (۱۹۹۳)، کارنی و برادبوری (۱۹۹۷)، کاکلین و همکاران (۲۰۰۰)، واتسون و همکاران (۲۰۰۰)، دونلان و همکاران (۲۰۰۴)، عبدالله‌زاده (۱۳۸۲) و جلیلی و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. از لحاظ نظری دلیل این امر آن است که افراد روان‌رنجور مستعد داشتن عقاید و افکار غیرمنطقی هستند (گروسی‌فرشی، ۱۳۸۰). از آنجا که یکی از مهمترین علل تعارضات زناشویی، باورها و عقاید غیرمنطقی و تحریف شده است (کارنی و برادبوری، ۱۹۹۷؛ کاکلین و همکاران، ۲۰۰۰)، روان‌رنجورخویی زوج‌ها ممکن است آنها را به سوی عقاید غیرمنطقی سوق دهد و توانایی آنها را برای مقابله با فشارهای روانی به تحلیل برد (کاکلین و همکاران، ۲۰۰۰) و از این طریق احتمال در معرض طلاق قرار گرفتن را افزایش دهد. در مورد تجربه‌پذیری نیز می‌توان گفت مشخصه‌هایی نظیر انعطاف‌پذیری در حل مشکلات، توجه بیشتر به همسر، استفاده از روش‌های متنوع و عقلانی در حل تعارضات زناشویی و روابط جنسی (دونلان و همکاران، ۲۰۰۴)، به‌کارگیری شیوه تفکر واگرا در حل مسائل (جلیلی و همکاران، ۱۳۸۸)، که از مشخصه‌های افراد تجربه‌پذیر است، باعث می‌شود تا زوج‌ها در حل مسائل و چالش‌های زندگی زناشویی به گستره وسیع‌تری از راه‌حل‌ها متوسل شوند. همین امر می‌تواند از سطح تعارضات آنها بکاهد و احتمال تمایل به طلاق را کاهش دهد. در نهایت در ویژگی وظیفه‌شناسی دونلان و همکاران (۲۰۰۴) بین زوج‌های در معرض طلاق و عادی تفاوتی را به‌دست نیاوردند، اما در این پژوهش بین زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی تفاوت معناداری به‌دست آمد (جدول ۲). چند تبیین برای این یافته می‌توان مطرح کرد. نخست اینکه افراد وظیفه‌شناس به دلیل تعهد شخصی برای حفظ و ثبات روابط زناشویی خود تلاش هدفمند بیشتری انجام می‌دهند (جارویس، ۲۰۰۶).

بنابراین زوج‌هایی که وظیفه‌شناسی بیشتری دارند با تلاش خود زندگی مشترکشان را حفظ می‌کنند و بیشتر احتمال دارد که برای بهبود زندگی زناشویی خود با جدیت به‌دنبال خدمات مشاوره‌ای و روان‌شناختی باشند. همچنین

1 . Hosmer & Laemshow

2. Omnibus

3. Wald

(۲۰۰۴)، عبدالله‌زاده (۱۳۸۲) و عطاری و همکاران (۱۳۸۵) نشان می‌دهد. در برخی از پژوهش‌های مورد اشاره بین ویژگی‌های برون‌گرایی و توافق‌پذیری زوج‌های دارای تعارض و زوج‌های عادی تفاوت معنادار و در برخی دیگر تفاوت غیرمعنادار گزارش شده است. به هر حال ممکن است تفاوت در گروه‌های نمونه پژوهش‌ها با عوامل فرهنگی اجتماعی مرتبط باشد. تبیین احتمالی دیگر طبق نظر تاین و همکاران (۲۰۰۰) برای برون‌گرایی این است که این ویژگی شخصیتی بیشتر مربوط به تعاملات اجتماعی فرد است و به اندازه سایر ویژگی‌ها در کیفیت روابط زناشویی و سایر روابط صمیمی تأثیرگذار نیست. اما در مورد توافق‌پذیری این احتمال مطرح است که زوج‌ها در برابر سؤالاتی که ویژگی توافق‌پذیری (و نقطه مقابل آن

براساس نظر کوردک (۱۹۹۳) وجود سطوح بالای وظیفه‌شناسی باعث می‌شود فرد از نشان دادن رفتارهای خشونت‌آمیز در روابط زناشویی خودداری کرده و تکانه‌های خود را کنترل کند. از سوی دیگر، خوش‌قولی، دقت و قابل اطمینان بودن از ویژگی‌های مهم افراد وظیفه‌شناس است (گروسی‌فرشی، ۱۳۸۰). این ویژگی‌ها نیز در تعاملات آنها با همسرانشان تأثیر مثبتی دارد و رضایت زناشویی آنها را افزایش می‌دهد.

اما براساس یافته‌های این پژوهش بین برون‌گرایی و توافق‌پذیری زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی تفاوت معناداری به دست نیامد (جدول ۲). این یافته شکلی از تعارض همسو - ناهمسو را با نتیجه پژوهش‌های باس (۱۹۹۲)، واتسون و همکاران (۲۰۰۰)، دونالد و همکاران

جدول ۴- نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک به شیوه گام به گام برای پیش‌بینی گروه‌های در معرض طلاق و عادی

گام‌ها	آزمون هوسمر و لمشو	آزمون آمیبیوس	B	P	Wald	df
گام ۱	۲۲/۰۸**	۹۰/۲۵**	۴/۷۷	< ۰/۰۱	۲۲/۵۶	۱
گام ۲	۹/۲۲	۳۹/۲۶**	-۳/۰۷	< ۰/۰۱	۱۵/۶۹	۱
			۷/۴۹	< ۰/۰۱	۱۸/۱۹	۱
گام ۳	۱/۳۰	۱۱/۳۷**	-۴/۱۰	< ۰/۰۱	۱۰/۳۶	۱
			۳/۸۸	< ۰/۰۱	۴/۳۸	۱
			۶/۸۶	< ۰/۰۵	۱۰/۵۰	۱
گام ۴	۰/۵۶	۹/۰۸**	۶/۷۳	< ۰/۰۱	۳/۴۵	۱
			-۶/۳۷	< ۰/۰۱	۷/۱۴	۱
			۵/۵۷	< ۰/۰۵	۴/۱۹	۱
			۱۰/۶۵	< ۰/۰۱	۹/۴۹	۱
گام ۵	۰/۰۲	۸/۳۳**	۱۲/۷۶	< ۰/۰۱	۱/۰۷	۱
			-۱۲/۸۲	< ۰/۰۰۲	۲/۰۴	۱
			-۲/۹۹	< ۰/۰۱	۲/۵۷	۱
			۱۴/۰۲	< ۰/۰۱	۱/۹۰	۱
			۱۸/۰۶	< ۰/۰۱	۳/۳۷	۱
گام ۶	۰/۰۰	۸/۰۵**	۱۱۶/۷۵	< ۰/۰۱	۰/۰۰	۱
			-۱۰۷/۱۶	< ۰/۰۱	۰/۰۰۱	۱
			-۲۳/۵۲	< ۰/۰۵	۰/۰۰۱	۱
			۴/۱۶	< ۰/۰۱	۰/۰۰	۱
			۱۵۹/۲۶	< ۰/۰۱	۰/۰۰۱	۱
			۱۲۸/۲۵	< ۰/۰۱	۰/۰۰۱	۱

یعنی خودشیفتگی) را می‌سنجد، حالت دفاعی به خود گرفته و وانمود به سطوح بالای توافق‌پذیری کرده باشند. بخش دیگری از نتایج این پژوهش (جدول ۳) نشان داد که بین زوج‌های در معرض طلاق و زوج‌های عادی در تمام نه نشانه روانی (نه خرده‌مقیاس SCL-90) تفاوت معناداری وجود دارد. این یافته با نتیجه پژوهش لمنس و همکاران (۲۰۰۷) همسویی دارد. با توجه به تأثیر متقابلی که بین مشکلات روانی و تعارضات زناشویی وجود دارد، این نتیجه دور از انتظار نبود. چرا که طلاق یکی از پرفشارترین وقایعی است که بر بهداشت روانی افراد تأثیر مخربی بر جای می‌گذارد. به‌ویژه به نظر می‌رسد زوج‌هایی که در ابتدای فرایند طلاق هستند، نسبت به زوج‌هایی که مدتی از طلاق آنها گذشته و تا حدی ممکن است با این واقعیت سازگار شده باشند، در شرایط سخت‌تری به سر می‌برند و این مسأله منجر به کاهش سطح بهداشت روانی آنها می‌شود. تفاوت معناداری که در نشانه‌های روانی بین دو گروه وجود دارد، مؤید این واقعیت است.

در تحلیل رگرسیون لجستیک دو ارزشی (جدول ۴) نیز مشخص گردید که از میان کلیه متغیرهای پژوهش (ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی)، از بین ویژگی‌های روانی و شخصیتی فقط روان‌رنجورخویی، افسردگی و افکار پارانوئیدی و از بین ویژگی‌های جمعیت‌شناختی، فقط میزان درآمد، نوع ازدواج (غیرفامیلی) و تعداد فرزندان دارای توان پیش‌بینی در معرض طلاق قرار گرفتن هستند. نخستین تبیین قابل طرح در مورد این نتیجه، این است که مشکلات زناشویی تأثیر منفی بر سلامت جسمانی و روانی زوج‌ها می‌گذارد و احتمال بروز مشکلات روان‌شناختی آنها را افزایش می‌دهد. از طرفی به نظر می‌رسد، رابطه بین ویژگی‌های روانی و شخصیتی (روان‌رنجورخویی، افسردگی و افکار پارانوئیدی) با تمایل به طلاق و تعارض زناشویی متقابل است. یعنی همان‌طور که بورمن و مارگالین (۱۹۹۲) تأکید کرده‌اند، به‌سادگی نمی‌توان یک رابطه یک‌طرفه بین این متغیرها در نظر گرفت. بنابراین می‌توان گفت نشانه‌های آسیب‌شناسی روانی نظیر افسردگی و افکار پارانوئیدی در ایجاد تعارضات زناشویی نقش دارند و از طرفی تعارضات زناشویی در بروز این نشانه‌ها مؤثر هستند. البته براساس نظر هنه (۲۰۰۳) می‌توان این احتمال را نیز مطرح کرد که متغیرهای سومی نظیر مشکلات شغلی و اقتصادی در رابطه بین افسردگی و تعارضات زناشویی سهمیم باشند.

تبیین نقش میزان درآمد، نوع ازدواج (غیر فامیلی) و تعداد فرزندان نیز در پیش‌بینی در معرض طلاق قرار گرفتن از اهمیت بالایی برخوردار است. به‌نظر می‌رسد میزان درآمد بیشتر به رفع نیازهای سطح پایین‌تر منجر می‌شود. از این منظر چنانچه زوج‌ها دغدغه‌های رضای نیازهای سطح پایین را نداشته باشند، فرصت بیشتری برای رشد و شکوفایی و تلاش برای بهبود روابط زناشویی خود خواهند داشت. اما اگر زوج‌ها در تنش‌های ناشی از درآمد کم و دغدغه‌های تأمین نیازهای اولیه خود باشند، این مسأله بر تعاملات آنها تأثیرات نامطلوبی بر جای می‌گذارد و احتمال در معرض طلاق قرار گرفتن را افزایش می‌دهد (ساروخانی، ۱۳۷۶). در مورد نقش تعداد فرزندان در پیش‌بینی در معرض طلاق قرار گرفتن باید گفت که نتیجه این پژوهش با پژوهش احمدی و رئیس‌پور (۱۳۸۷) ناهمسو است. در این خصوص نیز به‌نظر می‌رسد با افزایش تعداد فرزندان، زوج‌ها خود را بیشتر ملزم به ادامه زندگی زناشویی می‌دانند و احتمال طلاق کاهش می‌یابد. در واقع فرزندان مانعی بر سر اقدام سریع و راحت برای طلاق هستند. در نهایت در تبیین معنادار شدن نوع ازدواج برای پیش‌بینی در معرض طلاق گرفتن نیز می‌توان گفت که در ازدواج‌های فامیلی زن و شوهر شناخت بیشتری نسبت به یکدیگر دارند و مدت آشنایی آنها قبل از ازدواج بیشتر از آشنایی زوج‌ها در ازدواج‌های غیرفامیلی است. از طرفی شباهت ژنتیکی، فرهنگی و اجتماعی زوج‌ها در ازدواج‌های فامیلی می‌تواند احتمال موفقیت آنها را در زندگی زناشویی افزایش دهد (ساروخانی، ۱۳۷۶). همچنین می‌توان گفت در بسیاری از ازدواج‌های فامیلی، اقوام به‌عنوان منابع حمایتی قوی در کنار زوج‌ها نقش مؤثری در موفقیت ازدواج آنها دارند.

در مجموع نتایج پژوهش حاضر توجه به برخی ویژگی‌های شخصیتی، روانی و جمعیت‌شناختی را در تعارض زناشویی محرز ساخت. بر پایه یافته‌های این پژوهش و از لحاظ کاربردی یکی از اقداماتی که می‌توان انجام داد این است که در درجه نخست از طریق جلسات آموزش پیش از ازدواج، تا حد امکان به افراد برای شناسایی نشانه‌های آسیب‌شناختی روانی و شخصیتی (روان‌رنجورخویی، افسردگی و افکار پارانوئیدی) کمک شود. هدف دیگری که می‌توان از برگزاری جلسات آموزشی دنبال کرد این است که از طریق آموزش نحوه مقابله با نشانه‌های روان‌رنجورخویی، افسردگی و افکار

کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تبریز، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه تبریز.

عطاری، ی.ع.، امان‌اللهی فرد، ع.، و مهرابی‌زاده، م. (۱۳۸۵). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی*، ۳، ۸۱-۱۰۸.

کیامهر، ج. (۱۳۸۱). هنجاریابی فرم کوتاه پرسشنامه پنج عاملی NEO.F.F.I و بررسی ساختار عاملی آن (تحلیل تأییدی) در بین دانشجویان دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی*.

گروسی فرشی، م. (۱۳۸۰). رویکردی نوین در ارزیابی شخصیت. چاپ اول، تبریز: نشر جامعه پژوه.

میرزایی، ر. (۱۳۵۹). ارزیابی و اعتباریابی آزمون SCL-90 در ایران. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران*.

پارانوئیدی می‌توان به مدیریت این ویژگی‌ها و نشانه‌ها در افراد کمک کرد. از لحاظ پژوهشی پیشنهاد می‌شود به منظور اطمینان بیشتر، تکرار پژوهش با استفاده از آزمون‌های دیگر مانند آزمون MMPI، پرسشنامه شخصیت مایرز - بریگز و فرم بلند پرسشنامه پنج عامل بزرگ شخصیت در نمونه‌های گسترده‌تر توسط پژوهشگران دیگر صورت بگیرد. اما این پژوهش نیز مانند دیگر پژوهش‌ها دارای محدودیت‌هایی بوده است. یکی از محدودیت‌های پژوهش حاضر، اجرای پرسشنامه‌ها در میان زوج‌های در معرض طلاق بود که به دلیل تحت فشار بودن آنها و تنش‌هایی که با آنها مواجه بودند، سوگیری در پاسخدهی را به وجود می‌آورد. محدودیت بعدی اینکه این مطالعه یک مطالعه گذشته‌نگر است و مبتنی بر ارتباط سنجی است، بنابراین استنباط علت و معلولی از نتایج منطقی نیست.

منابع

- Bouchard, G., Lussier, Y., & Sabourin, S. (1999). Personality and marital adjustment: Utility of the five-factor model of personality. *Journal of Marriage and Family*, 61, 651-660.
- Burman, B., & Margolin, G. (1992). Analysis of the association between marital relationships and health problems: An interactional perspective. *Psychological Bulletin*, 112(1), 39-63.
- Buss, D.M. (1992). Manipulation in close relationships: Five personality factors in interactional context. *Journal of Personality*, 60, 477-499.
- Caughlin, J.P., Huston, T.L., & Houts, R.N. (2000). How does personality matter in marriage? An examination of trait anxiety interpersonal negativity, and marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 78, 326-336.
- Costa, P.T. & McCrae, R.R. (1989). *The NEOPI/FFI: Manual supplement*. Psychological Assessment Resources, Odessa, FL.
- Costa, P.T., & McCrae, R.R. (1992). Professional Manual: Revised NEO. Personality Inventory (NEO-PI-R) and NEO Five-Factor Inventory (NEO-FFI) *Psychological Assessment Resources*, Inc.
- احمدی، ج.، و رئیس‌پور، ح. (۱۳۸۷). بررسی رابطه رضایت زناشویی با متغیرهای مهارت‌های ارتباطی همسران، جنس، تعداد فرزندان و سطح تحصیلات همسر. *چکیده مقالات همایش منطقه‌ای ازدواج و خانواده شهرکرد*، ۷.
- براهیمی، ن.، احمدی، ا.، و عابدی، م.ر. (۱۳۸۷). آزار عاطفی پیش‌بینی‌کننده اضطراب و افسردگی در زوجین. *چکیده مقالات همایش منطقه‌ای ازدواج و خانواده، شهرکرد*، ۲۲.
- به‌کیش، پرویز. (۱۳۷۳). *آزمون‌های روانی (پرسشنامه SCL-90)*. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه تهران.
- جلیلی، ف.، بخشایش، ع.ر.، و فارسی‌نژاد، م. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و رفتار همسر آزاری. *چکیده مقالات پنجمین همایش مشاوره اسلامی، قم، مؤسسه مطالعاتی مشاوره اسلامی*، ۱۵۶ و ۱۵۷.
- حبیب‌پور، ک.، و صفری، ر. (۱۳۸۸). *راهنمای جامع کاربرد SPSS*، چاپ اول، تهران: مؤسسه راهبرد پیمایش.
- دلاور، ع. (۱۳۸۱). *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*. چاپ چهارم، تهران: انتشارات ارسباران.
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۶). طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- عابدی، م.ر.، و مشهدی، ح.ع. (۱۳۸۰). کاربرد آزمون‌های شخصیت، جلد اول. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- عبدالله‌زاده، ح. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین صفات شخصیتی و رضایت‌مندی زناشویی در زوجین شهر دامغان. *پایان‌نامه*

- Derogatis, L.R., Lipman, R.S., & Covi, L. (1973). The SCL-90: An outpatient psychiatric rating scale. *Psychopharmacology Bulletin*, 9, 13-28.
- Donnellan, B. M., Conger, R. D., & Bryant, C. M. (2004). The big five and enduring marriages. *Journal of Research in Personality*, 38, 481-504.
- Hart, S.D., Dutton, D.G., & Newlove, T. (1993). The prevalence of personality disorders among wife assaulters'. *Journal of Personality Disorders*, 7(4), 329-341
- Heene, E. (2003). Individual and relational indicators of depression and marital distress: A categorical and dimensional perspective. *Unpublished Doctoral Dissertation. University of Gent.*
- Jarvis, M.O. (2006). The long term role of newlywed conscientiousness and religiousness in marriage. *Unpublished Doctoral Dissertation. University of Texas at Austin.*
- Karney, B. R., & Bardbury, T.N. (1997). Neuroticism, marital interaction and the trajectory of marital satisfaction. *Journal of Personality and Social Psychology*, 2, 1075-1092.
- Kurdek, L.A. (1993). Predicting marital dissolution: A 5 year prospective longitudinal study of newlywed couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 64, 221-242.
- Lemmens, G.M.D., Buysse, A., Heene, E., & Eisler, I. (2007). Marital satisfaction, conflict communication, attachment style and psychological distress in couples with a hospitalized depressed patient. *Journal of Acta Neuropsychiatrica*, 19(2), 109-117.
- Tobin, R.M., Graziano, W.G., Vanman, E.J., & Tassinary, L.G. (2000). Personality, emotional experience, and efforts to control emotions. *Journal of Personality and Social Psychology*, 79, 656-669.
- Watson, D., Hubbard, B., & Wiese, D. (2000). General traits of personality and affectivity as predictors of satisfaction in intimate relationships: Evidence from self- and partner-ratings. *Journal of Personality*, 68, 413-449.
- Whisman, M.A., Uebelacker, L.A., & Weinstock, L.M. (2007). Psychopathology and marital satisfaction: The importance of evaluating both partners. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 27, 830-838.